

جایگاه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در فرآیند تبدیل نیروی کار به سرمایه انسانی

• مهدی قدس ورزنده

رفاه و تأمین اجتماعی در فرآیند تبدیل نیروی کار به سرمایه انسانی (نگرش ریاضی) ارایه شود.

۱- منابع رشد:

یکی از روش‌های بررسی دلایل تغییر وضعیت اقتصادی یک کشور نسبت به گذشته خویش و سایر کشورها، روش حسابداری رشد است. منظور از حسابداری رشد محاسبه میزان مشارکت نهاده‌هایی است که در تولید محصول ناخالص ملی به کار می‌روند. نهاده‌هایی مانند نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، دانش فنی و ... معمولاً اقتصاددانان تولید را به عنوان تابعی از سرمایه فیزیکی و نیروی کار در نظر می‌گیرند:

$$Y = A.F(KL)$$

۱- Y ستاده یا محصول ناخالص داخلی

۲- K سرمایه فیزیکی

۳- L ساعات کار نیروی کار

کار و سرمایه تنها عوامل تاثیرگذار بر تولید نیستند، بلکه عوامل دیگری نیز وجود دارند که در تولید اثر دارند، اما اندازه‌گیری آنها مشکل است و ما از آنها تحت عنوان ضریب تکنولوژیک A یاد کرده‌ایم.

هر رشته شغلی که فعالیت داشته باشد، بایستی مشمول قانونی تأمین اجتماعی قرار گیرد و در ازای پرداخت حق بیمه (سهم کارگر، کارفرما و دولت) از تمامی مزایا و خدمات کوتاه مدت، بلند مدت و درمان سازمان بهره‌مند شود.

پاسخ به این پرسش که در حال حاضر چه سطحی از نیروی کار تحت پوشش این بخش (بیمه‌ای) قرار داشته و این میزان در گذشته و آینده چه روندی داشته و دارد، از چالش‌هایی است که ورود به آنها از عهده این مقاله خارج است.

پرسش اصلی این است که نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در فرآیند تبدیل نیروی کار به سرمایه انسانی چه جایگاهی دارد؟

در مقدمه و از دیدگاه کیفی، جایگاه، نقش و ارتباط آن با مقوله‌های اقتصادی تا حدی مطرح شد؛ اما در نظر داریم این جایگاه را در قالب یک الگوی ریاضی و به طور کمی مطرح کنیم. لذا قبل از ورود به بحث لازم است مطالبی مختصر راجع به منابع رشد، نقش سرمایه انسانی در رشد و بهره‌وری، سلامتی و توسعه اقتصادی، نظام تأمین اجتماعی ایجاد کننده یک سیستم «مهارت و امنیت» و در نهایت نمایش آثار عوامل «مهارت و امنیت» در توسعه اقتصادی و به عبارتی جایگاه نظام جامع

در خصوص نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در چارچوب توسعه همه جانبه و همچنین ابعاد عدالت اجتماعی و فقرزدایی و ... مطالب زیادی مطرح شده است. اما آنچه که می‌توان در این مختصر به آن اشاره نمود رابطه تنگاتنگی است که بین این مقوله و متغیرهای اساسی خرد و کلان اقتصادی وجود داشته و دارد؛ به طوری که ارتباط میان تأمین اجتماعی و میزان اشتغال، نرخ بیکاری، نرخ تورم، تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره، میزان سرمایه‌گذاری، نرخ رشد، سطح پس‌انداز، حجم پول در گردش، ... و در نهایت انواع سیاست‌های پولی و مالی دولت بر کسی پوشیده نیست. گرچه قصد تبیین و تشریح تمامی متغیرهای اقتصادی یاد شده با نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی را نداریم، اما در یک سیستم مبتنی بر برنامه‌ریزی، پس از تعیین کیفی متغیرهای درون‌زا و همچنین عوامل برون‌زا (پارامترها) همواره نیازمندیم که میزان، درجه، نرخ و درصد این شاخص‌ها را به هر طریق ممکن محاسبه کنیم. با این محاسبه می‌توانیم فاصله میان وضعیت کنونی و حالت مطلوب و ایده‌آل را تعیین کرده و اولین قدم در یک نظام برنامه‌ریزی و بودجه برنامه را برداریم. در حال حاضر براساس قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، هر نیروی کاری تقریباً در

یک بررسی ساده نشان می‌دهد که در رابطه فوق تولید با افزایش A در کار و سرمایه یکسان افزایش می‌یابد. A می‌تواند شامل سرمایه انسانی، دانش فنی و محیط اقتصادی (تأمین اجتماعی) که در آن کار و سرمایه به فعالیت اشتغال دارند، باشد. معمولاً برای نشان دادن رابطه میان کار و سرمایه و تولید از تابع کاب داگلاس استفاده می‌شود:

$$Y = AK^{\frac{1}{3}}L^{\frac{2}{3}}$$

اگر از این تابع لگاریتم و سپس مشتق کامل گرفته شود، نرخ رشد ستاده بر حسب نرخ رشد سرمایه کار و عامل تکنولوژی بدست می‌آید.

$$\frac{dY}{Y} = \frac{dA}{A} + 0.33 \frac{dK}{K} + 0.67 \frac{dL}{L}$$

معادله فوق نشان می‌دهد که رشد محصول ناخالص داخلی برابر حاصل جمع رشد تکنولوژی، یک سوم رشد سرمایه و دو سوم رشد نیروی کار است.

در کارهای تجربی صنعت، ارقام ۳۳٪ و ۶۷٪ برای عموم کشورهای توسعه یافته تایید شده است و ما هم برای سادگی از همین ارقام در محاسبه منابع رشد در کشورهای مختلف استفاده می‌کنیم.

در این جا (dA / A) معرف مشارکت تمامی نهاده‌ها و عواملی است که در رشد اقتصادی سهم هستند؛ اما وجود آنها در تابع تولید نادیده گرفته شده است. لذا به A

بهره‌وری کل یا TFP (Total Factor Productivity) گفته می‌شود

۲- نقش سرمایه انسانی در رشد و بهره‌وری

دنیسون (۱۹۸۲) در مطالعه منابع رشد در آمریکا طی دوره ۸۲-۱۹۲۹ با لحاظ سطح تحصیلات به عنوان شاخصی از سرمایه انسانی به این نتیجه رسید که رشد در تحصیلات رسمی حدود ۲۵ درصد از رشد در درآمد سرانه مردم آمریکا را تشکیل می‌دهد. بعد از دنیسون مطالعات متعددی صورت گرفته است که عموماً وجود ارتباط مثبت و مستقیم سطح تحصیلات و رشد اقتصادی را مورد تایید قرار می‌دهد از جمله هال و جونز (۱۹۹۸) در مطالعه مقطعی ۱۲۷ کشور نشان می‌دهند که همبستگی بالایی بین تولید سرانه و سطح رسمی به عنوان شاخصی از سرمایه انسانی (۷۹۸٪ همبستگی بین لگاریتم شاخص‌ها) و بهره‌وری کل و سرمایه انسانی (۵۲٪ بین لگاریتم شاخص‌ها) وجود دارد. هال و جونز تابع تولیدی را به شکل زیر تعریف می‌کنند.

$$Y = K^a (AH)^{1-a}$$

$$H = Le^{h(E)}$$

در این رابطه H سرمایه انسانی، h تابعی از متوسط تحصیلات (E)، نیروی کار کشور بر حسب سال است. با استفاده از حسابداری رشد و داشتن اطلاعاتی راجع به متوسط تحصیلات (بر حسب سال) کشورهای مختلف می‌توان سهم مشارکت تسهیلات را در رشد اقتصادی محاسبه کرد.

«هال و جونز» برای گروه کشورهای مورد مطالعه خود فرض می‌کنند که به طور متوسط بازده هر سال اضافی آموزش ۱۰ درصد است.

۳- سلامتی و توسعه اقتصادی

در این قسمت نقش و اهمیت عنصر سلامتی در توسعه اقتصادی را مطرح می‌کنیم. اخیراً در سطح بین‌الملل مقوله «اقتصاد بهداشت و درمان» یا اصطلاحاً «اقتصاد سلامت» مطرح شده است. این مقوله که سعی می‌کند کاربرد اصول اقتصادی در اموری که به سلامت انسان مربوط می‌شود را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. بنابراین می‌توان به صراحت اظهار نظر کرد که این دو مقوله ارتباط دوسویه داشته و به اصطلاح اقتصادسنجی، دارای معادلات همزمان می‌باشند.^۱ (توسعه اقتصادی، تحصیلات، درآمد، دانش فنی و ..) = f (اقتصاد سلامت) (اقتصاد سلامت، آموزش، درآمد، تحصیلات و ..) = f (توسعه اقتصادی همانطور که ملاحظه می‌شود می‌توان برجستگی دو عنصر «سلامت و مهارت» را در دو تابع فوق نشان داد.

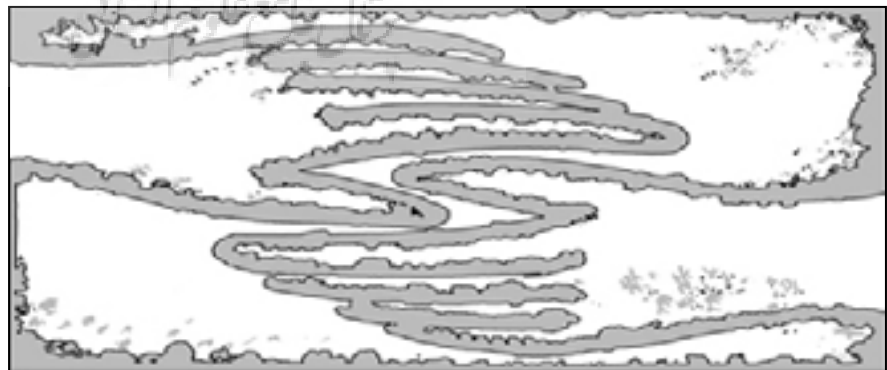
۴- نظام تأمین اجتماعی ایجاد کننده

یک سیستم «سلامتی و امنیت»

تا این قسمت تلاش کردیم در ابتدا نقش تحصیلات و آگاهی‌های علمی و فن‌آوری را تحت عنوان مهارت در تابع تولید منعکس نموده و سپس مختصری در رابطه با عامل دیگر یعنی «سلامتی» و ارتباط آن با توسعه اقتصادی، مطالبی را ذکر و در نهایت مدلی را به صورت زیر بیان کنیم.

$$Y = K(Ale)^{h(E+T)}$$

۱- علاقه‌مندان در صورت تمایل می‌توانند به مقاله مؤلف تحت عنوان «بررسی و مقایسه انواع معادلات منابع و مصارف بهداشت و درمان سازمان تأمین اجتماعی و نقش متقابل آنها بر میزان اشتغال با رهیافتی اقتصادسنجی» مراجعه کنند.



حال می‌خواهیم عنصر دیگر یعنی امنیت را در جایگاه خود قرار داده و سپس به کمک الگو و مدل ارائه شده فوق با لحاظ نمودن مقوله بهره‌وری، بحث را ادامه دهیم.

اما قبل از ادامه بحث، لازم است به سیستمی (سازمان) که بتواند برای عامل اصلی و تعیین کننده «تولید» و به عبارتی موتور حرکت توسعه یعنی «انسان» - که با در نظر گرفتن مراتب فوق به عنوان «سرمایه انسانی» مطرح می‌باشد - عنصر «امنیت» را نه تنها به شکل فیزیکی و آناتومی به مفهوم کلی آن یعنی ایجاد کننده فضای آرامش روحی و تأمین آینده که پوشش «توسعه» ای داشته باشد اشاره کنیم. البته منظور همان نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است.

۵- نمایش آثار عوامل مهارت و امنیت در توسعه اقتصادی (نگرش ریاضی)

توضیح: در محاسبات زیر برای سادگی عمل، توسعه اقتصادی را در قالب رشد و به صورت تولید ناخالص (G.D.P) خلاصه نموده و آنرا با نماد Y نشان می‌دهیم.

$$Y = K^{\frac{1}{3}} \left[ALe + h(K - T) \right]^{\frac{2}{3}}$$

E: نماد مهارت، T: نماد امنیت، K: سرمایه فیزیکی، L: ساعات کار نیروی کار و بهره‌وری کل
 $h(E + T)$: تابع ترکیب دو عنصر مهارت و امنیت (تأمین اجتماعی)
 برای نمایش عملیات ریاضی به صورت ساده‌تر از «نرخ رشد» استفاده می‌کنیم و از توابع فوق ابتدا لگاریتم نبرین و سپس دیفرانسیل کامل می‌گیریم تا بتوانیم توابع

$$\begin{aligned} \ln Y &= \frac{1}{3} \ln K + \frac{2}{3} \ln [ALe + h(K - T)] \\ \ln Y / Y &= \frac{1}{3} \ln K / K + \frac{2}{3} \ln [ALe + h(K - T)] \\ \dot{Y} / Y &= \frac{1}{3} \dot{K} / K + \frac{2}{3} \dot{h} [ALe + h(K - T)] \end{aligned}$$

فوق را به صورت معادلات خطی مورد ارزیابی قرار دهیم.

تفسیر: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (توسعه کمی اقتصادی) تابعی است از نرخ رشد جمع کل بهره‌وری با ضریب دو سوم، نرخ رشد عامل سرمایه‌گذاری با ضریب ۱/۳، نرخ رشد ساعات کار نیروی انسانی با ضریب دو سوم و بالاخره تغییرات تابع مهارت و تأمین اجتماعی با ضریب ۲/۳. عنصر «مهارت و امنیت» در فرآیند توسعه اقتصادی از نقش و جایگاه خاصی برخوردار هستند؛ زیرا تغییرات مطلق آن در کنار نرخ رشد سایر متغیرها در توسعه اقتصادی مؤثر است.

نتیجه‌گیری: اگر بخواهیم با شتاب بیشتری به توسعه اقتصادی دست پیدا کنیم،

تأمین اجتماعی انجام شود؛ یعنی (E و T) h.

بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود، عنصر رفاه و تأمین اجتماعی (T) در کنار آگاهی‌های علمی و فنی (E) می‌تواند فضایی را ایجاد کند که در این فضا نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تبدیل شود. همانطور که در محاسبات نمایش داده شد میزان تغییر در عناصر مهارت و امنیت و به عبارتی رشد آگاهی‌های علمی - فنی در یک محیط رفاه و تأمین اجتماعی، تعیین کننده ضریب شتاب بهره‌وری و توسعه همه جانبه اقتصادی، اجتماعی است. در مقالات بعدی سعی می‌شود جایگاه شتاب سازمان تأمین اجتماعی به عنوان «بخش بیمه‌ای» نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در کنار سیستم یارانه‌ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

منابع:

- بخش‌های اقتصادی، اجتماعی - هفته‌نامه آتیه و تأمین، روزنامه‌های قدس، خراسان، اقتصاد آسیا و ...
- اقتصادسنجی ۱ و ۲ - دکتر ابریشمی.
- ریاضیات عمومی ۱ و ۲ - دکتر پورکاظمی
- مقاله‌ها و طرح‌های پژوهشی - دنیسون (۱۹۸۲).
- مقاله‌های علمی و طرح‌های تحقیقاتی - هال و جونز (۱۹۹۸).
- بررسی، تجزیه و تحلیل و به کارگیری تابع تولید «کاب داگلاس» در جهت نمایش جایگاه و نقش سرمایه انسانی در تولید ناخالص ملی (GNP) - مولف.

$$\left. \begin{aligned} Y &= K^{\frac{1}{3}} [ALe + h(K - T)]^{\frac{2}{3}} \\ H &= L \end{aligned} \right\} Y = K^{\frac{1}{3}} [ALe + h(K - T)]^{\frac{2}{3}}$$

ناچاریم به «انسان» - نیروی کار (L) - نگاهی «توسعه‌ای» داشته باشیم. همانطور که سعی می‌کنیم آخرین تکنولوژی پیشرفته را برای عامل سرمایه فیزیکی (K) لحاظ نماییم، باید به این متغیر هم به عنوان «سرمایه انسانی» نگاه کنیم ($L \rightarrow H$). حداقل این عامل را با دو عنصر «مهارت و امنیت» (E و T) مجهز و سعی کنیم این تجهیز در یک فضای